

کاهش تلفات برق از جیب پرمصرف‌ها

معاون هماهنگی توزیع توانیر گفت:افزایش ۱۶ درصدی تعرفه پرمصرف‌ها به حساب جداگانه‌ای واریز شده و صرف طرح‌های کاهش تلفات و بهینه سازی مصرف می‌شود.

به گزارش مهر، پس از تلاش‌های بسیار از سوی جوامع دانشگاهی متخصص و همچنین ورود وزارت نیرو به گود تغییر تعرفه‌های برق، در روزهای پایانی سال ۹۷ هیئت وزیران با طرحی که بر اساس آن تعرفه‌های برق و البته آب به صورت پلکانی اصلاح شده و افزایش می‌یابد، موافقت کرد. پیش از این نیز تعرفه‌های برق به صورت پلکانی بود، اما ایرادهای زیادی به این روش وارد بود که محوری‌ترین آن نبود توازن در پرداخت تعرفه اقشار کم درآمد و کم مصرف با اقشار پردرآمد و پرمصرف بود. به عبارت دیگر اختلاف پرداخت تعرفه برای دهک‌های پایین با دهک‌های بالا که پرمصرف‌ترین اقشار هستند،اندک بود. در نتیجه هدف بازدارندگی از مصرف بالا و مدیریت مصرف برق محقق نمی‌شد. خاموشی‌های گسترده سال گذشته که دلیل عمده آن پایین آمدن سطح آب پشت مخازن سدهای برقایی بود،



موجب شد تا مسئولان و متخصصان حوزه به طور جدی آستین بالا بزنند و این روند مصرف را مورد بازبینی قرار دهند. در نتیجه این تلاش‌ها، چند روز پیش شرکت توانیر تعرفه برق در سال ۹۸ را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است: هیئت وزیران تصویب کرده است که بهای آب شرب و برق از ابتدای اردیبهشت سال ۱۳۹۸ به میزان ۷ درصد افزایش یابد. بر اساس این مصوبه، برق برای کم‌مصرف‌ها ۷ درصد و برای پرمصرف‌ها ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت. کارشناسان پیش بینی می‌کنند که با اعمال این تغییرات میزان مصرف پر مصرف‌ها کاهش یابد.

محمودرضا حقی‌فام، معاون هماهنگی توزیع شرکت مادر تخصصی توانیر در گفت وگو با مهر، ضمن اشاره به این که ۷ درصد افزایش نرخ تعرفه برای همه مصرف کنندگان برق است، گفت: پرمصرف‌ها علاوه بر ۷ درصد، ۱۶ درصد نیز بیشتر تعرفه می‌پردازند و در مجموع می‌توان گفت پرمصرف‌ها ۲۳ درصد تعرفه برق می‌پردازند که این ارقام با بررسی و مطالعه دقیق و همه جانبه اعلام شده است.

پرداخت یارانه ۱۰میلیونی به ثروتمندان؛ موافقید؟!

مروری بر انواع یارانه‌ها که به جای جیب اقشار هدف، سر از حساب بالاشهری‌ها در می‌آورد؟

اجازه بدهید برای چند لحظه از شرایط فعلی فاصله بگیریم و یک شرایط خاص را تصور

کنیم. فکر کنید به جای ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان ماهانه ۹۱۰ هزار تومان یارانه می‌گرفتید؟ یعنی یک خانوار ۴ نفره حدود ۳/۵ میلیون تومان! آن وقت آیا حاضر بودید که یارانه خود را ببخشید؟

جواب احتمالی شما در حالت‌های مختلف متفاوت خواهد بود.

۱-حالتی را در نظر بگیرید که یک دولت و سیستم بوروکراسی کارآمد داریم و دولت می‌خواهد که به جای پرداخت یارانه، آن را صرف امور عمومی کند. در این حالت احتمالا جواب برخی مثبت باشد. یعنی برخی یارانه کلان خود را ببخشند تا دولت آن را صرف امور عمومی، زیرساختی و رفاهی (ایجاد بیمارستان و راه، کمک به محیط زیست، کاهش آلودگی هوا یا کمک به فقرا) کند. شاید بعضی از شما دست به این بخشش بزنید. ۲- حالت دوم وقتی است که دولت به طور نسبی ناکارآمد بوده و شما و بسیاری از مردم به دلایل مختلف (واقعی یا تلقینی) درباره نحوه استفاده از این منابع برای امور عمومی تردید دارید؟ آیا باز هم حاضرید از یارانه خود بگذرید؟ احتمالا جواب عده بسیار زیادی منفی خواهد بود.

۳- اما حالت سوم، شرایطی است که نه تنها دولت به طور نسبی ناکارآمد است بلکه قرار هم نیست منابع برای امور عمومی خرج شود. بلکه از شما خواسته می‌شود از بخشی از یارانه خود صرف نظر کنید تا آن را بین اقشار ثروتمند جامعه توزیع کنند! طبیعتا هیچ کس به این شرایط پاسخ مثبت نخواهد داد. حتی ثروتمندان هم که با بخشش یارانه دوباره آن را به دست می‌آورند، به بخشش یا عدم آن بی تفاوت نیستند. چرا که یک سیستم بوروکراسی نسبتا ناکارآمد، در جریان بازتوزیع، بخشی از منابع را هدر خواهد داد!

● ما همه موافقیم!

از قضا هم اکنون حالت سوم محقق شده است؛ یعنی در سال چیزی حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان انواع یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم در کشور توزیع می‌شود و بخش قابل توجهی از این یارانه هم به گونه‌ای توزیع می‌شود که ثروتمندان، چندین برابر فقرا و اقشار متوسط از آن بهره مند می‌شوند! از قضا نحوه توزیع به گونه‌ای است که انبوهی از رانت در بخش‌های دولتی و خصوصی ایجاد می‌کند که بسیاری برای نفع بردن از آن دندنان تیز می‌کنند و باز هم از قضا نحوه توزیع به گونه‌ای است که به جای کمک به امور عمومی در جهت خلاف آن است. یعنی از محل تشدید مصرف برخی کالاهای مخرب محیط زیست، مثل بنزین و گازوئیل به محیط زیست آسیب هم می‌زند! اما اگر از ما بپرسند که آیا با تداوم شرایط فعلی موافقید، بسیاری از ما تردید خواهیم داشت. یعنی بسیاری از ما به حالت سوم پاسخ مثبت می‌دهیم! چرا؟ ۳ دلیل ساده وجود دارد:

- به وضع موجود عادت کرده ایم و مثل همیشه تغییر سخت است.
- عمق فاجعه موجود را درک نکرده ایم.
- درباره کیفیت تغییر از وضع موجود به یک شرایط مناسب تر، تردید داریم.

برای رفع این مسائل که موجب شده ذهن ما یک خطای

بزرگ انجام دهد و یک انتخاب فاجعه بار داشته باشد (انتخاب مورد سوم) مرور اعداد، ارقام و حقایقی که در ادامه می‌آید بسیار کمک خواهد کرد.

● **۸۹۰ هزار میلیارد تومان؛ مجموع یارانه پرداختی**
برآورد میزان یارانه‌ای که دولت پرداخت می‌کند، آسان نیست. پرداختی‌های رفاهی و سبد کالایی، پرداختی از طریق کميته امداد و بهزیستی، یارانه نقدی، یارانه سود تسهیلات بانکی، یارانه دارو، یارانه اقلام اساسی و از همه مهم‌تر یارانه انرژی! سازمان برنامه برای اولین بار این مقادیر را محاسبه کرده و گزارش داده که مجموع یارانه پرداختی دولت (اشکاک و پنهان) امسال حدود ۸۹۰ هزار میلیارد تومان است که حدودا می‌شود ۲۰ برابر یارانه نقدی! یعنی از مجموع یارانه‌های توزیعی در جامعه، یک بخش از ۲۰ بخش به صورت نقدی و مستقیم پرداخت می‌شود و بقیه به شکل‌های دیگری توزیع می‌شود که هیچ معلوم نیست به دست چه کسی برسد و چه رانت خورای‌ها و کژفشاری‌هایی را باعث شود. البته همه این رقم دچار انحراف یا توزیع نادرست نمی‌شود اما دقت در موارد تشکیل دهنده این یارانه، نشان می‌دهد که عمده آن، به شکل بسیار بدی توزیع می‌شود.

● ۵ مثال درباره دست و دلبازی ۸۹۰ هزار میلیاردی!

اجازه بدهید درباره دست و دلبازی ۸۹۰ هزار میلیاردی مان به نفع ثروتمندان و رانت خواران، کمی بیشتر توضیح بدهیم. ۱. ساده‌ترین مورد بنزین و سوخت است. دولت انواع سوخت، انرژی و آب را ارزان‌تر از قیمت تمام شده (یا قیمت بازار) می‌فروشد. هر کسی که بیشتر استفاده کرد، بیشتر یارانه به جیب می‌زند. حجم این نوع یارانه‌ها بسیار زیاد است و به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد، یعنی حدود ۶۵



سراغ راهکارهای میانه رفت. راهکارهایی که ضمن حرکت به سمت رفع مشکل، فشار و ضربه ناگهانی هم ایجاد نکند. از جمله این راهکارها که بارها از سوی کارشناسان و حتی در کمیسیون‌های مجلس هم مطرح شده عبارت است از:

● کم‌بند انرژی

هر خانوار یک کارت انرژی دریافت می‌کند که هر ماه به مقدار مشخصی شارژ می‌شود. خانوار طی ماه می‌تواند از این کارت برای پرداخت قبوض برق و گاز، خرید بنزین و حتی حمل و نقل عمومی و... استفاده کند. در پایان ماه، اگر مبلغی باقی ماند، آزاد شده و برای همه مصارف دیگر قابل استفاده خواهد بود. مقدار مبلغ شارژ ابتدایی، بر اساس یک الگوی مصرف متعارف (مثلا ۲۰۰ کیلووات ساعت برق، ۶۰ لیتر بنزین و...) تعیین می‌شود. به این ترتیب کم مصرف‌ها تشویق می‌شوند و پرمصرف‌ها (که معمولا ثروتمندها هستند) باید مازاد مصرف خود را به قیمت آزاد بپردازند.

● ایجاد بازار برای کالاهای یارانه ای

شاید بهترین راهکار این باشد که به جای توزیع بی محابا و غیرهدفمند انواع سرمایه‌های ملی که عمدتا نصیب ثروتمندان و رانت خواران می‌شود، برای هر کالای یارانه‌ای بازاری شکل بگیرد تا همه ارزش واقعی کالایی که مصرف می‌کنند را ببینند. در این روش می‌توان از کالاهای مهم، مثل بنزین شروع کرد. در این حالت، افراد سهمیه دریافتی را می‌توانند مصرف کرده یا در بازار بفروشند. حجم یارانه پرداختی کنترل و جریان ناعادلانه پرداخت یارانه معکوس می‌شود. یعنی پرمصرف‌ها مجبورند از سهمیه کم مصرف‌ها به قیمت آزاد بخرند.

● قیمت گذاری پلکانی

اما راهکار دیگر، به ویژه درباره نرخ انواع سوخت، قیمت گذاری پلکانی است. یعنی به ازای مصرف متعارف، قیمت همچنان پایین باشد و برای مصارف بالاتر، قیمت رشد کند و یارانه‌ها حذف شود. به این ترتیب هم فشار به خانوار کاهش می‌یابد (به خاطر تداوم تخصیص یارانه به حجم مشخص مصرف) و هم از محل جریمه پرمصرف ها، منابعی حاصل می‌شود که می‌تواند در اجرای سایر سیاست ها، از جمله کمک به اقشار ضعیف، مورد استفاده قرار گیرد. البته قیمت گذاری پلکانی درباره تمام حامل‌های یارانه ممکن نیست اما در موارد بسیاری مثل برق، گاز و آب که با کنتور توزیع می‌شوند به راحتی قابل اجراست. درباره بنزین نیز به لطف سامانه هوشمند سوخت قابل اجراست. توضیح این که قیمت گذاری پلکانی برای سوخت، حتی در کشورهایی که دچار انبوه توزیع یارانه‌های پنهان نیستند نیز وجود دارد. به ویژه برای اجرای سیاست‌هایی چون کاهش آلودگی هوا.

تغییر تدریجی یارانه غیرمستقیم به مستقیم

اما راه آسان تر این است که به تدریج و طبق یک برنامه بلندمدت، یارانه‌های پنهان و غیرعادلانه حذف شود و به پرداخت‌های انتقالی اختصاص یابد. به بیان دیگر، بدون ایجاد هیچ سامانه یا قیمت گذاری پلکانی، طبق یک برنامه یارانه‌های غیرمستقیم حذف و به صورت مستقیم پرداخت شوند. این راهکار، از نظر اجرایی، ساده‌ترین کار است و نیاز به سامانه و زیرساختی ندارد اما تدوین یک برنامه منسجم بلندمدت و اجبار دولت‌ها به رعایت آن، ممکن است چالش‌هایی در پی داشته باشد.

● سایر کشورها چه کردند؟

به عنوان نکته پایانی، تذکر این نکته لازم است که موضوع یارانه پنهان و اتلاف منابع در اثر آن، مختص ایران نیست. متأسفانه برخی علاقه دارند که شرایط ایران را منحصر به فرد و یگانه تصویر کنند، این در حالی است که تقریبا تمام مسائل ما، از جمله دولت و بوروکراسی نسبتا ضعیف، توزیع یارانه‌های ناکارآمد غیرمستقیم و ناتوانی نظام سیاست گذاری در ایجاد اجماع ملی برای رفع مسائل حاصل از این موضوع، در بسیاری دیگر از کشورها، به ویژه کشورهای نفتی رایج بوده یا است. البته برخی کشورها هم برای رفع این معضل تلاش‌هایی کرده‌اند که بسیاری موفق و برخی هم ناموفق بوده‌اند. مثلا ترکیه در سال ۱۹۹۸ دست به اصلاح نظام یارانه سوخت زد و موفق هم شد. این کشور پیشتر هم یارانه‌های برق را حذف کرده بود. لهستان،اندونزی، فیلیپین و شیلی نیز از دیگر کشورهایی هستند که سیاست حذف یارانه‌های غیرمستقیم (به ویژه درباره سوخت) را در سال‌های دور اجرا کردند و با شدت و ضعف موفق هم شدند. در سال‌های نزدیک تر، کشورهای پرو، آفریقای جنوبی، مکزیک و نیجریه نیز چنین سیاستی را اجرا کردند.

برخی کشورها مثل مکزیک در این مسیر موفق نشدند اما کشورهای بسیاری هم به اهداف رسیدند. به طور متعارف، کشورهایی که سیاست‌ها را به صورت تدریجی اجرا کردند، برنامه منسجم و شفاف داشتند و همزمان با کاهش یارانه‌های غیرمستقیم پرداخت بسته‌های حمایتی یا یارانه مستقیم به اقشار مختلف را در دستور کار قرار دادند و در نهایت همراهی مردم را جلب کردند و توانستند این سیاست یعنی حذف یارانه پنهان ثروتمندان را به نفع اقشار ضعیف و کل اقتصاد اجرا کنند.

می‌کند. این در حالی است که هر فرد در خانواده فقیر (دهک اول) فقط چیزی حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان یارانه می‌گیرد. یعنی ثروتمندان ۷ برابر فقرا یارانه پنهان دریافت می‌کنند. این در حالی است که اگر این یارانه‌ها جمعیم و به صورت مساوی بین همه (فقرا و ثروتمندان توزیع شود) به هر فرد در سال بیش از ۱۰ میلیون تومان می‌رسد. یعنی دریافتی یک فرد فقیر حدود ۷ میلیون تومان افزایش می‌یابد.

● چرا نمی‌شود؟

حساب و کتاب راحت است اما باید قبول کنیم که رفع این معضل کار سختی است. نگرانی از افزایش قیمت‌ها و تورم مهم‌ترین دغدغه مردم در حذف بخشی از یارانه‌های پنهان است. اما مانع مهم‌تر را باید در رفتار سیاسی سیاستمداران جست‌وجو کنیم. کسانی که حیات سیاسی کوتاه مدت خود را وابسته به رای مردم می‌دانند و به صورتی اغراق آمیز از تلاش برای حذف یارانه‌های پنهان می‌ترسند. حتما دیده اید که در ماه‌های اخیر، همه و همه درباره آثار سوء و تبعات فاجعه آمیز تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی یا توزیع بسیار ارزان سوخت صحبت می‌کنند. اما وقتی که نوبت تصمیم می‌رسد، همه طفره می‌روند. چرا که نمی‌خواهند آدم بد باشند. تاسف بار این‌جاست که آن‌ها آن‌قدر اعتماد به نفس ندارند که با قول اجرای درست این فرایند، مردم را قانع و همراه کنند. قطعاً مردم عاشق پرداخت یارانه و منابع شان به ثروتمندان نیستند و در صورتی که ببینند منافع این تغییر روبه حاصل از دریافتی نقدی) بیشتر از هزینه‌های آن (تورم احتمالی) است، نه تنها همراهی می‌کنند بلکه از چنین مسئول شجاعی حمایت هم خواهند کرد. اما مسئولان محافظه کار و کوتاه نگر، الگوی رفتاری مردم را نیز اینچنین تصور می‌کنند و این‌گونه می‌شود که نمی‌شود!

● چگونه مشکل را برطرف کنیم؟

حالا که تقریبا در یک دور باطل گیر کرده ایم و با نگاهی منصفانه، در می‌یابیم که شرایط جامعه و اقتصاد هم به گونه‌ای نیست که بتوان تغییرات و اصلاحات ناگهانی ایجاد کرد، باید

درصد کل یارانه‌های ۸۹۰ هزار میلیاردی!
۲. یک بخش دیگر از یارانه ها، از محل ارز است. دولت به واردکنندگان از محل ارز حاصل از نفت، دلار ارزان می‌دهد تا هزینه تمام شده واردات کم شود و کالاهای ارزان‌تر به دست مردم برسد! درباره فجایع حاصل از این نوع توزیع یارانه، اصلا نیازی به توضیح نیست! یارانه‌های پرداختی به کالاهای اساسی هم حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود (البته با فرض نرخ ۸ هزار تومان برای دلار، بر مبنای سامانه نیما). ۳. بخشی دیگر از یارانه‌ها هم از محل کمک به شرکت‌های تولیدکننده است تا بتوانند کالا را ارزان‌تر تولید کنند و به دست مصرف کننده برسانند. مثل یارانه سود تسهیلات دریافتی، یا تخفیف در هزینه آب یا انرژی مورد استفاده شرکت‌ها یا پرداخت بخشی از حقوق بیمه و...
۴. تعداد پرشماری از یارانه‌ها هم مربوط به مواردی نظیر کمک به همسان سازی حقوق بازنشستگان، کمک به صندوق بازنشستگی، یارانه سود تسهیلات برای زوج‌های جوان یا معلولین و... کمک به شرکت‌های دانش بنیان از طریق یارانه سود تسهیلات صندوق نوآوری، شیر مدارس و... است. این دست از یارانه‌ها بهترین نوع یارانه است که البته سهم بسیار کمی از مجموع یارانه‌های پرداختی دارد؛ تقریبا حدود ۱۵ درصد!
۵. برخی هم که نهادهای و موسسات هستند؛ از سازمان زندان‌ها تا صندوق رفاه دانشجویی و حوزه علمیه و صدا و سیما و برخی وزارتخانه‌ها و ...

● ۷ برابر؛ سهم ثروتمندان از یارانه ها

همان‌طور که گفته شد در این نوع توزیع یارانه (تخصیص یارانه ارزی به واردات یا فروش ارزان حامل‌های انرژی یا فروش ارزان نهاده‌های تولید به تولیدکنندگان)، حجم بسیار زیادی از منابع کشور وارد اقتصاد می‌شود که دو برابر بودجه سالانه دولت است! اما بدتر این است که حجم بسیار کمی از این یارانه ها، به اقشار هدف یعنی اقشار نیازمند می‌رسد! بررسی سازمان برنامه نشان می‌دهد یک فرد در یک خانواده ثروتمند (دهک دهم) سالانه حدود ۲۱ میلیون تومان یارانه دریافت

